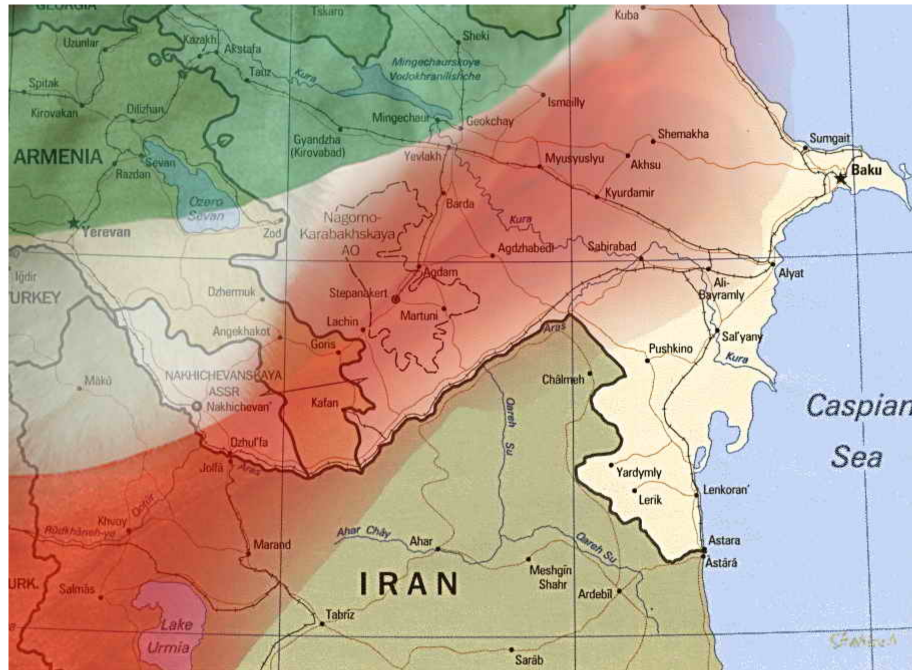


حماسه دلاوران رود ارس

نویسنده : روزبه پارساپور

در پهنه تاریخ سترگ ایران زمین ، شهریور ماه یکهزار و سیصد و بیست از جایگاه ویژه ای برخوردار است.حقیقت است که در این تاریخ تلخی های بسیاری توسط اسعتمار روس و انگلیس بر سرزمین نجیب ما روا شد ولی برگهای زرینی در دل تاریخ کشورمان نقش بست که بی شک لرزه بر اندام هر انسان آگاه و بی غرضی می اندازد.در چنین روزی است که حماسه دریادار بایندر فرمانده بی بدیل تاریخ نیروي دریایی ایران ، ناخدا سوم حسن میلانیان فرمانده ناو پلنگ در خلیج فارس ، ناخدا سوم نصراله نقدي ، سروان کهنمويي ، ناوبان یکم ابراهیم هریسچي ، ناوبان یکم مهدي رياضي ، سروان مکرينژاد ، ناوبان جلالي ، ناوبان عشقي و ششصد تن دیگر از دلاوران غیور نیروی دریایی ایران جهت پدافند ملی مقابل تجاوزات استعمار انگلستان رقم خورد.

این شهدای نمونه تاریخ ایران که بدون توجه به نیروی اندک دریایی ارتش ایران در مقابل تجاوز انگلیس به آبهای خلیج همیشه فارس و خوزستان عزیز صحنه ای باشکوه از حس میهن پرستی ایرانیان در برابر تجاوزات بیگانگان را به رخ جهانیان کشیدند تنها ذره ای از دریای جان باختگاه راه ایران زمین هستند.این جستار کاوشی است پیرامون حماسه ای دیگر از پهنه بیکران دلاور مردان غیور ایران زمین . حماسه سه شهید دلاور آذربایجانی که در شهریور ماه یکهزار و سیصد و بیست همزمان با جنگ جهانی دوم در مقابل ارتش بزرگ روس که در اندیشه تسلط برایران بودن ایستادگی کردند و به درجه بلند شهادت رسیدند. در 11 ژوئیه (20تیرماه 1320) شورای وزیران اسعتمار بریتانیا با حضور روسای ستاد موضوع اقدام نظامی علیه ایران را مورد بررسی قراردادند.کلیات فکراشغال ایران چند روز قبل از آن در ملاقات محرمانه ای چرچیل روزولت مطرح شده بود وامریکائی ها از ان مطلع بودند.

صبح دوشنبه سوم شهریور1320 ساعت چهار صبح اسمیرنوف و بولارد سفرای روس و انگلیس به منزل منصور نخست وزیر وقت ایران رفتند وطی یادداشتی به او اطلاع دادند که قوای روس و انگلیس از شمال و جنوب به ایران حمله کرده اند و شهرها و مردمان بی دفاع را به توپ بستند.در این راستان آذربایجان و دفاع مردمان این خطه دلاور از خاک میهن در پهنه تاریخ ایران زمین نقش بست که این سه شهید بی باک را میتوان سنبل بخشی از این مقاومت های ملی ایرانیان دانست.

تجاوز ارتش روس و انگلیس در شهریور 1320

سوم شهریور 1320، ايران به اشغال نيروهاي نظامي روس و انگليس درآمد. نيروهاي شوروي از شمال و شرق و نيروهاي انگليس که امروز سخن از رعایت حقوق بشر جهان میکنند از جنوب و غرب، از زمين و هوا به ايران حمله كردند .اين حادثه در كشاكش جنگ دوم جهاني رخ داد و اين حمله حاصل سومين تباني استعمار روسيه و انگليس بود كه بر ضد حاكميت ملي و تماميت ارضي ايران شكل مي‌گرفت. قرن نوزدهم در پايان جنگهاي طولاني روسيه با ايران، تباني اين كشور با انگليس عليه ناپلئون در اروپا، سبب حمايت انگليس از انعقاد پيمان‌هاي گلستان و تركمنچاي و تحميل آن بر ايران شد. اوايل قرن بيستم ميلادي نيز، پيمان‌هاي ميلادي، 1907 و 1915 سبب تقسيم ايران به حوزه نفوذ دو كشور

انگليس و روسيه و زمينه‌ساز حضور نظامي آنان در ايران شد. سومين بار در جنگ دوم جهاني بود كه بهانه حضور كارشناسان آلماني در ايران، اشغال ايران را در پي داشت.

لحظات اوليه حمله، سفير كبير شوروي و وزير مختار انگليس در منزل علي منصور ـ نخست‌وزير وقت ـ حضور يافته و طي يادداشتي حمله قواي خود را به كشور ابلاغ كردند. علي منصور متعاقباً در كاخ سعدآباد، رضاشاه را مطلع ساخت و سپس راهي مجلس شوراي ملي شد و گزارش حمله نظامي روسيه و انگليس را به اطلاع نمايندگان مجلس رساند .

نمايندگان روس و انگليس، علت اين مداخله را وجود تعدادی از كارشناس آلماني در ايران ذكر كردند! دخالت نظامي شوروي و انگلستان در ايران متعاقب دو اولتيماتوم مشترك روس و انگليس در 28 تير و 25 مرداد 1320 راجع به حضور كارشناسان آلماني به وقوع پيوست. اين حمله همچنين به فاصله سه هفته قبل از تبعيد رضاشاه به خارج از كشور رخ داد. شهرهاي بي دفاع شمال و جنوب كشور در جريان حمله هماهنگ و مشترك روس و انگليس، شديداً بمباران شدند و نيروي دريايي ايران در خليج فارس و درياي خزر ظرف چند ساعت از ميان رفت.

عصر روز سوم شهريور ودرحالي كه پيشروي قواي انگليس و روسيه در شمال وجنوب خاك ايران ادامه داشت، علي منصور با مشاهده بحراني بودن اوضاع تصميم به استعفا گرفت. دريافت خبرهاي مربوط به متلاشي شدن لشكرهاي تبريز، رضائيه، گيلان، اردبيل، مشهد و كرمانشاه سبب شد تا رضاشاه لشكرهاي دو پادگان مركزي را در اطراف تهران به حالت دفاعي مستقر سازد. در همين روز رضاشاه طي تلگرافي به روزولت ـ رئيس جمهور امريكا ـ از وي خواست مانع پيشروي انگليس و روسيه در داخل ايران شود، اما دولت امريكا با صراحت اين درخواست را رد كرد و تأكيد نمود كه ايالات متحده، هدف بريتانيای متجاوز را هدف خود مي‌شمارد!

غروب سوم شهريور، رضاشاه كه متعاقب دريافت پاسخ دولت امريكا، اميدي به توقف حملات انگليس و روسيه نداشت و از جبهه‌هاي جنگ دوم جهاني نيز اخبار مسرت بخش دريافت نمي‌كرد، سربازان احتياط 4 دوره ـ متولدين 1294 تا 1297ـ را به خدمت فراخواند. او در شامگاه همان روز، خبرهاي مربوط به پيشروي قواي روس و انگليس را به سوي تهران دريافت كرد .

روز 5 ارديبهشت علي منصور نوميدانه از مقام رئيس الوزرائي استعفا داد و رضاشاه، مجيد آهي وزير دادگستري را مأمور تشكيل كابينه كرد، اما وي نيز از پذيرفتن اين سمت در شرايط اشغال كشور امتناع ورزيد و به ناچار مسئوليت نخست‌وزيري كشور به محمدعلي فروغي واگذار شد. ششم شهريور، فروغي در منزل خود با سفيران انگليس و روسيه راجع به ترك مخاصمه و توقف جنگ، مذاكره كرد. در همين نشست فروغي از نيت انگليس براي بركناري و تبعيد رضاشاه باخبر شد. در نتيجه، فرداي همان روز رضاشاه، همة اعضاي خانواده‌اش ـ به استثناي محمدرضا پهلوي وليعهد ـ را روانه اصفهان كرد و خود نيز روز دهم شهريور تصميم به استعفا را به اطلاع فروغي و اعضاي كابينه‌اش رساند .

در آن روزها، شهرهاي كشور و به ويژه تهران با كمبود نان و ساير ارزاق مورد نياز مردم روبرو بود. كشوري كه درجنگ جهاني دخالتي نداشت و بارها بي طرفي خود را به طرفين درگيري اعلام كرده بود، بيشترين صدمات جنگ را تحمل كرد .

هزاران غيرنظامي زير بمباران شهرهاي مختلف جان باختند و خسارات بسيار سنگيني به تأسيسات اقتصادي كشور و اماكن زندگي مردم وارد آمد. كشور دچار قحطي شد و مردم از لحاظ نان و ارزاق به شدت در مضيقه قرار گرفتند. اين حملات تا استعفاي رضاشاه و جايگزين شدن پسرش ـ محمدرضا پهلوي ـ در 25 شهريور 1320، ادامه يافت. 25 شهريور رضاشاه استعفا داد، راهي اصفهان شد و وليعهد جانشين وي شد. فرداي آن روز، همزمان با ورود نظاميان انگليس و روسيه به تهران، محمدرضا شاه در مجلس، سوگند ياد كرد .

30شهريور، رضاشاه و خانواده‌اش از اصفهان به يزد، كرمان و بندرعباس عزيمت كردند تا به يك كشتي انگليسي كه قرار بود آنها را به جزيره موريس ببرد، انتقال داده شوند .(1)

اشغال ايران محدود به قواي انگليس و روسيه نبود. پس از ورود امريكا به جنگ، عده‌اي از نظاميان آن كشور نيز وارد ايران شدند، اما استقلال و تماميت ارضي ايران، نخست با امضاي يك پيمان سه جانبه بين ايران، انگليس و شوروي در بهمن 1320 و سپس با صدور اعلاميه‌اي كه در پايان كنفرانس سران متفقين ، روزولت، چرچيل و استالين ، در تهران منتشر شد، تضمين گرديد. در پايان اين كنفرانس كه در آبان همين سال در تهران تشكيل شد، طرفين تعهد كردند نيروهاي نظامي خود را ظرف 6 ماه از ايران خارج كنند.

دولت شوروي قبل از خاتمه جنگ درصدد به دست آوردن امتياز استخراج نفت در درياي شمال برآمد، اما چون با تصويب قانون منع اعطاي امتياز نفت به خارجيان در مجلس شوراي ملي، از دريافت اين امتياز محروم شد، بناي مخالفت و ناسازگاري با دولت ايران را گذاشت و پس از خاتمه جنگ مقدمات شورش مسلحانه و تحريک اقوام آذری و ايجاد کشوری به نام آذربايجان مستقل را فراهم ساخت که البته هرگز به نيات شوم خود دست نيافت .نيروهاي شوروي از حركت واحدهاي اعزامي ارتش براي سركوبي اين شورشها جلوگيري كردند و موجبات تسلط احزاب دست نشانده دمكرات را بر آذربايجان و سپس كردستان را فراهم ساختند.

نيروهاي شوروي از تخليه ايران در موعد مقرر خودداري كردند، اما پس از شكايت ايران به شوراي امنيت و مسافرت قوام‌السلطنه ، نخست‌وزير وقت ، به مسكو كه به امضاي موافقتنامه‌اي درباره تشكيل شركت مختلط نفت ايران و شوروي منجر شد، در ارديبهشت 1325 نيروهاي خود را از ايران خارج كردند. حكومت خودمختار حزب دمكرات در آذربايجان و كردستان نيز بيش از 7 ماه پس از خروج نيروهاي شوروي دوام نياورد و سقوط كردند. موافقتنامه مربوط به تشكيل شركت مختلط نفت ايران و شوروي نيز، سال بعد در مجلس رد شد .(2)

گذری بر پیشینه آذرآبادگان

منطقه آذربایجان یکی از مراکز اصلی هویت و تمدن ایرانی محسوب میشود که در طول تاریخ حماسه های بسیاری از دل این سرزمین برخواسته است . وجود آثار باستانی ارزشمند این منطقه (میراث جهانی آذرگشنسب ، تپه حسن لو ، قره کلیسا ، کلیسا باستانی سنت استپانوس ، آرامگاه حضرت شمس تبریزی و...) که ریشه در نژاد نیک مردمان این منطقه دارد ، حکایت از احترام به آزادی ادیان و باورهای مختلف و جایگاه ویژه آذربایجان در گستره ایران بزرگ دارد . نام آذربایجان در پارسی میانه؛ آتورپاتکان، در آثار کهن پارسی مانند شاهنامه؛ آذربادگان و در فارسی کنونی که معرب شده است ، آذربایجان نامیده می شود. تاریخ باستانی آذربایجان با تاریخ قوم آریایی ماد درآمیخته است. مرکز عمده قوم ماد سرزمینهای شمال غربی و غرب کشور ایران است .

شکوه باستانی آذرآبادگان در زمان هخامنشیان و ساسانیان زبانزد روزگار خود بوده است. بعد از یورش سپاه اسکندر مقدونی به ایران، سرداری به نام آتوپارت در آذربایجان ظهور کرد و این سرزمین به نام آتوپارتگان شهرت گرفت. در زمان حکومت هلنی ها، ناحیه آتوپارتگان پناهگاه و تکیه گاه ایرانیت در مقابل یونانیت شد. حکومت های محلی گوناگونی قدرت را در آذربایجان به دست گرفتند.

پس از تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل اول صفوی، آذربایجان کانون عمده گردآوری قوای نظامی برای شاهان صفوی گردیده و در زمان صفویه آذربایجان محل جنگ های خونین میان سپاه ایران و سپاه متجاوز ترکان عثمانی که دشمنان شیعیان و ایرانیان محسوب میشدند شد که جنگ چالدران از عمده ترین آنها به شمار می رود. در آن جنگ سید صدرالدین وزیر اعظم شاه اسماعیل صفوی به شهادت رسیده و مقبره ایشان هم اکنون در چهار کیلومتری شهر چالدران در روستای سعدل آذرآبادگان غربی قرار دارد. به گفته اسناد تاریخی آذرآبادگان منطقه ای بوده است که به زبان پارسی و با گویش اصیل پهلوی سخن میگفته اند .

حدود 600 سال پیش به دلیل یورش های ملل متجاوز منطقه زبان اصیل پهلوی این منطقه دستخوش تغییرات شد و واژه های ترکی نیز در زبان مردمان این منطقه گسترش یافت . به گفته یعقوی جغرافیدان نامور : اهالی شهرها آذربایجان مردمی بهم آمیخته از عجم های کهن (آذریه) و جاودانیه (طرفداران بابک) می باشند و چون به دست اعراب فتح شد برخی اعراب به آن منزل گزیدند.(3) به روشنی در این نوشته و صدها سند دیگر تاریخی بیان شده است که آذربایجان از عجمهای آذریه بوده اند و هیچ گاه زبانی به نام ترکی در این سامان وجود نداشته است.



رود باشکوه ارس

شکوهی خاص در رود سترگ ارس که هزاران سال است خروشان و زیبا پابرجاست ، نهفته است . رود ارس در شمال آذربایجان و جنوب منطقه اران ققفاز یکی از رودهای مقدس ایران زمین بشمار میرود که از دیر زمان تا امروز ارزش و احترام آن حفظ شده است. ارس از رودخانه‌هاي طولاني و پرآب ایران است که امروزه پس از تقسیم بندی های مرزی تحمیلی استعمار روس با جمهوري خودمختار نخجوان و منطقه ارمنستان همسایه است.

ایرانیان ارمني معتقدند که این رود از بهشت سرچشمه گرفته است و شاید این عقیده از آنجا منشاء گرفته که سرچشمه اصلي این رود از کوه هزار برکه (مین‌گول) در جنوب ارض روم و نزدیك سرچشمه فرات جاري شده و از سرزمین آرارات و نزدیکي به خاك رسیدن کشتي حضرت نوح روان شده رو به سوي آذربایجان و درياي کاسپین مي‌آورد .این رود در نزد آذریهای آذربایجان (آراز) و به فارسي (ارس) به یوناني و ارمنی (آراکس) و به عربي (رَس) نامیده مي‌شود.

طول کلي این رودخانه شکوهمند حدود 1072 کیلومتر (از سرچشمه تا دریا) مي‌باشد که 275 کیلومتر آن مرز شمال غربي ایران را تشکیل مي‌دهد.بنا به عقیده مستشرقین رودخانه ارس همان (دایي تیاي) اوستا است که بنا به روایت آن زرتشت در نزدیکي آن تولد یافته و شهر باستاني (آرتاکسانا) در کنار این رود واقع بوده است.

اَرَس نامی پارسی است به معنای زلال و بی غل و غش است. همچنین آب رودخانه کر (کوروش بزرگ) در ایران شمالی (جمهوری آذربایجان) نیز وارد رود خروشان ارس می شود و همگی راهی دریای کاسپین میگردند . رودخانه ارس در سال ۱۸۱۳ میلادی در پی ننگ نامه گلستان به عنوان مرز ایران و روسیه برگزیده شد و تمامی مناطق شمال این رود از ایران تجزیه و به اشغال روسیه درآمد.

امروزه با سفر به مناطق آن سوی رود ارس با هویت ایرانی بیش از پیش آشنا میشویم . مردمانی که بستگان خود را در این سوی ارس و در مرزهای کنونی ایران می بینند ولی تکه تکه شده اند.مردمان روستای مکان ، اردوباد ، دستک ، گلستان ، یایجی و.... همگی آن سوی ارس (نخجوان) چشم انتظار بستگان خود در میهن اصلیشان ایران زمین میباشند.

آریوبرزن های گمنام ارس



عکس ماهواره ای از رود ارس و پل آهنی



محل آرامگاه دلاوران غیور میهن از نمای دورتر



نمای آرامگاه شهدای ارس از نزدیک

فخرالدین اسد گرگانی

گزیده هرچه در ایران بزرگان   ز آذرآبادگان و ری و گرگان



حماسه مقاومت سه سرباز دلاور آذری

در کنار پل فلزی جلفا که مسیر عبور قطار ایران به نخجوان می باشد و به یکی از سترگ ترین پلهای جهان که با پرچ بنا شده است مشهور میباشد ، آرامگاه سه شهید ایران زمین قرار دارد . امروزه در بالاترین نقطه مرزی ایران و شوروی سابق نیز مانند دیگر شهرهای ایران شهدای ایران زمین نامشان پرافتخار و طنین افکن است . بی شک در طول هزاران سال تمدن شهرنشینی ایرانیان از جنوبی ترین نقطه ایران کنونی از مرزهای دریای مکران (عمان) و دریای پارس ، اروند رود ،کارون ،زاینده رود و ارس ... وجب به وجب باخون دلاوران و ازخودگذشتگانی آبیاری شده که کشورشان همیشه مورد یورش ملل متجاوز جهان قرار میگرفته است و آنان برای پاسداری از این میراث بزرگ نیاکان تا آخرین قطره خون خود در برابر آنان ایستادگی کرده اند.

نمونه آن حماسه سه شهید آذری است که اکنون کنار پل آهنی رود ارس آرمیده اند. محل نبرد سه دلاور غیور ایرانی در برابر ارتش تا دندان مسلح روسیه. این سه مرزبان غیور هنگام پاسداری از مرزهای شمالی ایران ، پس از آنکه اندیشه های روسها برای اشغال مناطق مختلف منطقه شدت گرفته بود – با سپاهی بزرگ روبرو میشوند. به گفته مردم محلی آن

منطقه – این سه تن حدود 48 ساعت ارتش روسیه که با اندیشه های کشورگشایی و غارتگری راهی ایران شده بودند را می بندند . چون بهترین راه ممکن برای تردد دو سوی رود ارس این پل فلزی می باشد این سه تن توانستند دو روز تمام مانع از ورود ارتش متجاوز به کشور شوند. نام این شهدای دلاور بی بدیل ایران زمین در کنار رود جاوید ارس به شرح زیر است:

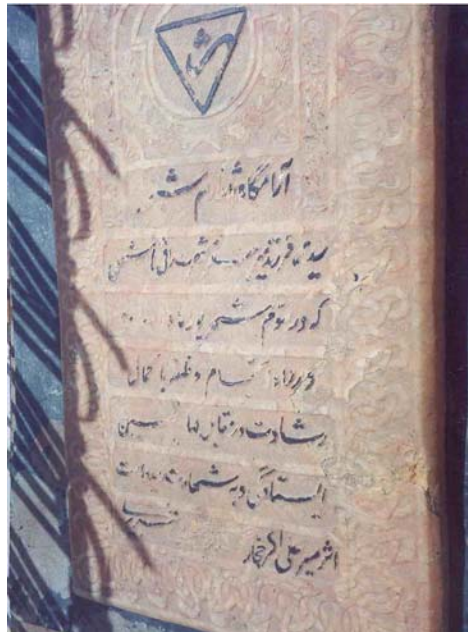
شهید ملک محمدی

شهید سید محمد راثی هاشمی

شهید عبدالله شهریاری



متن سنگ نبشه بر روی آرامگاه: آرامگاه ژاندارم شهید – سرجوخه ملک محمدی ، که در شهریور ماه 1320 در راه انجام وظیفه در مقابل مهاجمین ایستادگی و به شهادت رسیده است.



متن سنگ نبشه بر روی آرامگاه: آرامگاه ژاندارم شهید ، محمد فرزند میر جعفر شهرت راثی هاشمی که در شهریور ماه 1320 در راه انجام وظیفه در مقابل مهاجمین ایستادگی کردند و به شهادت رسیدند.



متن سنگ نبشه بر روی آرامگاه: آرامگاه ژاندارم شهید ، عبدالله شهریاری که در شهریور ماه 1320 در راه انجام وظیفه در مقابل مهاجمین ایستادگی کردند و به شهادت رسیدند.

بر بالای آرامگاه این سه دلاور غیور آذربایجانی ، سروده ای نوشته شده است که روح هر ایرانی را دگرگون میکند و ماهیت اصیل اقوام ایرانی را به نمایش میگذارد:

هرچند آغشته شد به خون پیرهن ما شد جامه سربازی ما هم کفن ما

شادیم ز جانبازی خود در شکم خاک پاینده و جاوید بماند وطن ما

یاد و راه شهدای میهن جاودانه باد

پی نوشت ها:

(1) - کتابخانه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

(2) این پاسخ همان روز حمله انگلیس و روسیه از طریق وزارت خارجه امریکا به محمد شایسته ـ وزیرمختار ایران در واشنگتن ـ ابلاغ شد.

(3) البلدان ، احمدبن ابی یعقوبی (درگذشت 290 هجری) ، برگ 47

- با سپاس از سورن یوسفی که در گردآوری فرتورها همت گماشتند
- با سپاس از مرزبانان غیور جلفا که ما را در این امر یاری دادند